

درباره یکی از ظرفیت‌های معماری ایرانی که امروز تعطیل است

رابط سرپوشیده میاندهی



هادی دقیقاً یکی از مسیرهای قدیمی رسیدن از جنوب کشور به مشهد، مسیری است که از طیس، فردوس (شهر تاریخی تون)، بچستان و فیض‌آباد می‌گذرد تا به تربت حیدریه و بعد به مشهد برسد. در ایران قاعده براین است که هرچا مسیری تاریخی است، پیرا اثر و بنا و تجهیزات و امکانات سفراست که روزگاری قدم به قدم، مسافران را هدایت و اسباب رفاه برایشان فراهم می‌کردند. این موضوع مهم، امروز هم در جاده‌ها فراوان دیده می‌شود، ولی باتوجه به افزایش سرعت حمل‌ونقل انسان و رسیدن سرعت جابه‌جایی‌اش به چندین کیلومتر بر ساعت، فاصله‌ها آن چنان که در قدیم بوده‌است، حس نمی‌شود. در این مسیری که گفتیم، یعنی طیس تا فیض‌آباد، فراوان می‌شود بناهای تاریخی مربوط به جاده‌ها را دید که در دل روستاها و کنار جاده‌ها، حالا به پیوستی فرهنگی تبدیل شده‌اند؛ فرهنگی که میراث گذشتگان است، اما متأسفانه برخی‌هایشان رها شده‌اند. یکی از این بناها که نقشی اساسی در معماری ایران هم دارد، کاروان‌سراست. اینجا، در دل همین بیابان‌های مرکزی خراسان، روستا به روستا پیرا از کاروان‌سراست و حتی همین سال گذشته بود که در پرونده ثبت جهانی چندین کاروان‌سرای ایران، نام کاروان‌سرای فخرآباد هم دیده شد که در حوالی همین مسیر است.

در خراسان به دلیل اقلیم دشتی، کاروان‌سراهای حیاط‌دار و وسیع، تقریباً بیشتر به چشم می‌خورد، اما معدود کاروان‌سراهایی هم هستند که برخلاف قاعده دشت‌ها و بسان کاروان‌سراهای کوهستانی، سرپوشیده و کوچک ساخته شده‌اند. رابط میاندهی، یکی از همین کاروان‌سراهای سرپوشیده است که تقریباً در این مسیر، مانند ندارد.

تاریخ و جغرافیای رابط میاندهی

روستای میاندهی تقریباً در فاصله هشتادکیلومتری جنوب تربت حیدریه، قرار دارد. برای رسیدن به روستای میاندهی باید از فرعی فیض‌آباد وارد جاده‌ای شد که به سمت بچستان می‌رود. از فیض‌آباد که گذر کنیم، پس از گذشتن از انبوهی باغ پسته به جنگلی از درختان تاغ می‌رسیم؛ جنگلی که قدم زدن در آن غیر از زمان گرم سال، همیشه دل‌پذیر است. تقریباً اواسط این انبوه درختان تاغ، به روستای میاندهی می‌رسیم. روستای میاندهی در وسط دو خط رفت‌وبرگشت جاده است. میاندهی روستای کوچکی است و طبق آخرین سرشماری، کمتر از هزار نفر در آن زندگی می‌کنند و با گشتن در روستا، خیلی راحت می‌شود رابط میاندهی را پیدا کرد. رابط میاندهی اردیبهشت ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی با قدمت دوره صفویه ثبت شد اما در کتاب «کاروان‌سراهای خراسان» درباره آن گفته شده است: «سبک معماری و نوع و فرم اجرایی کار، بر قاجاری بودن بنا دلالت دارد».

روی هم‌رفته این بنای کوچک و مسقف آجری که برخلاف بسیاری از کاروان‌سراهای خراسان از خانه‌های اطرافش بزرگ‌تر نیست، روزگاری محل رفت‌وآمد مسافران خسته بوده است. اما امروز خود به‌حدی خسته است که رمق یک اثر ثبت ملی شده از آن گرفته شده است. صف‌السلطنه نایینی، از رجال دوره ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار، سال ۱۲۹۹ قمری و احتمالاً وقتی رابط سرپا بوده، از این بنا بازدید کرده و در کتاب «گزارش کویر، سفرنامه صف‌السلطنه نایینی»، آمده است: «میانده آخر خاک تربت از متملکات اهل فیض‌آباد و مسکن رعیت و بیلاق بعضی از طوایف جهان بیگی است [...] نصیرخان جهان بیگی اینجا رباطی ساخته است».

میاندهی؛ نیازمند سامان‌دهی

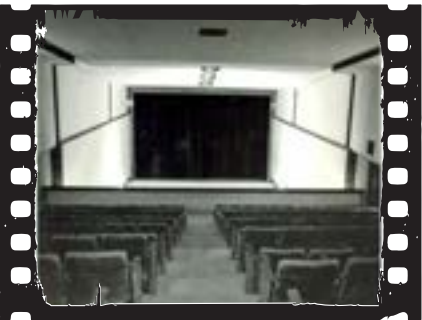
رابط میاندهی با مصالح آجری ساخته شده است. شکل کلی بنا مستطیلی است که بیست متر طول و تقریباً پانزده متر عرض دارد. ورودی اصلی این بنای سرپوشیده، در ضلع جنوبی آن است و شامل ایوانی کم‌ارتفاع است که از طریق یک درگاهی به ایوانچه و سپس به فضای داخلی رابط می‌رسد. بخش بزرگی از طاق این ایوان، فورورخته است و فقط جلوماندگی‌های جرزهای دو طرف ایوان پیداست. ظاهراً روی ایوان ورودی هم اتاقی بوده که حکم شاه‌نشین بنا را داشته است. این رابط یک ورودی دیگر در ضلع شرقی دارد که یک درگاهی ساده است، درکل، نمای بیرونی بنا هم ساده و بدون تزئینات است، فقط در ضلع شرقی و دو طرف ورودی فرعی، دو پشتیبان مثلثی شکل برای استحکام بنا ایجاد شده است.

داخل رابط میاندهی نیز همین سادگی تکرار می‌شود و درکل، سالینی مستطیل‌شکل به چشم می‌خورد که «ایوانچه در دیوارهای طولی آن قرار دارد و چهار اتاق کوچک مربعی در چهار گوشه‌اش تعبیه شده است. دو ستون آجری مربع نیز در وسط سالن آن طراحی شده که با طاق و تویزه‌هایی استوار شده و در مجموع هفت طاق ایجاد کرده است. روی همه این‌ها نیز با شش گنبد کم‌خیز پوشیده شده است. راه دسترسی به پشت‌بام بنایم، پلکانی است که در اتاق جنوب شرقی بنا ساخته شده است.

در مجموع، رابط میاندهی تا مدت‌ها پس از متروک شدنش به انبار کاه و علوفه تغییر کاربری داد و هرچند صدمه جدی ندید، آثار سوختگی و سیاهی دیوارها و سقفش، میراث فرهنگی این مرزوبوم را رو سیاه می‌کند. شاید این میراث ارزشمند، امروز باید به بنایی با کاربری‌های گوناگون تبدیل شود، ولی متأسفانه فعلاً رها شده و متروکه است، مثلاً به‌جای اینکه در رابط سال‌های سال نخته باشد، می‌شد یک مهمان‌سرای بین‌راهی در آن ایجاد کرد و روی تابولی‌ی در کنار جاده، مسافران را حتی به‌جای یک زیرسقف تاریخ دعوت کرد یا حتی می‌شود از رابط میاندهی به‌عنوان یک مجموعه فرهنگی یا آموزشی استفاده و درش را روی اهالی باز کرد تا در کنار این کاربری‌ها، دل آجرهایش ترک بردارد و فراموش نکند که روزی اینجا غلغله بوده و حالا سکوت و تاریکی و سیاهی است.



نقشه‌های کارشناسی شده آغاز گردید. در سال ۱۳۴۷ سینمادیا موند را در خیابان دانشگاه افتتاح کردیم. طرح و محاسبات این سینما، توسط مهندس ویکتور آبیوانس (مهندس راه‌آهن مشهد) انجام‌و بود چه سنگین جهت احداث و افتتاح این پروژه که در آن زمان برای شهر مشهد توسط بخش خصوصی یک قدم قابل توجهی بود. از طریق دریافت وام‌های سنگین از بانک‌های ملی و صادرات انجام گرفت. سرعت و دقت و پشتکار از ویژگی‌های این پروژه سنگین بود و تلاش مابرای تحقق یک کار بزرگ به ثمر نشست. نکته حائز اهمیت در مورد سینمادیا موند، بالای شهر قرار گرفتن آن نسبت به بقیه سینماها بود که در آن زمان فقط در محدوده ارگ، بین چهارراه لشکر و ساختمان چهارطبقه، قرار داشتند؛ به همین جهت، همکاران موفقیت سینمادیا موند را غیرقابل امکان می‌پنداشتند، ولی به علت مجلل بودن سینما و شیوه اداره آن، از جمیع جهات باعث شد که اهالی مشهد استقبال فراوانی نشان دادند و تشویق شدیم برای جلب‌نظر علاقه‌مندان سینما، اقدام به نمایش فیلم‌های مطرح جهان نماییم». این دو سرمایه‌گذار از همان ابتدای بهره‌برداری، امتیاز نمایش فیلم‌های کمپانی متروگلدوین مایر، برادران وارنر، آر‌تورانگ انگلستان و به دنبال آن، کمپانی کلمبیا و یونایتد آر‌تیست را گرفتند و با نمایش فیلم‌های برتر جهان، نام خود را بر سر زبان‌ها انداختند. نمایش این فیلم‌ها روی پرده هفتادمیلی‌متری، یکی دیگر از جاذبه‌های سینمادیا موند بود که بسیاری از علاقه‌مندان سینما را که تا آن زمان، فیلم‌ها را به‌صورت ۲۵ میلی‌متری دیده بودند، دوباره به سمت این فضا کشاند تا فیلم‌های موردعلاقه‌شان را با کیفیت و ابعاد مناسب‌تر ببینند.



سینمایی گران، با امکانات خوب

نرخ بلیت سینما هوپزه البته از بلیت‌های بیست ریالی دیگر سینماها بیشتر بود و تماشاگران برای دیدن فیلم روی پرده این سینما، باید سی ریال پرداخت می‌کردند که بعدها این نرخ به چهل ریال رسید و ثابت ماند؛ این افزایش قیمت بلیت، بی‌دردرسر هم نبود و با امکانات فراوان میان این سینما و اداره فرهنگ و هنر رقم خورد. این افزایش نرخ بلیت، دیگر سینماها را هم و سوسه کرد تلاش کنندان‌ها هم نرخ نمایش فیلم‌هایشان را افزایش بدهند؛ البته هیچ‌کدام از سینماهای مشهد، موفق به افزایش نرخ بلیت نشدند و نپس از امکانات فراوان، افزایش نرخ بلیت برای سینماهای مشهد در گرو تعمیر اساسی سینماها قرار گرفت و با تشکیل کمیسیون بند ۵ مقرر شد سینماها از کمیسیون ایمنی، گواهی دریافت کنند و این شدت عمل، موجب عقب‌نشینی سینماداران شد؛ البته تفاوت‌هایی نیز بین سینما هوپزه و دیگر سینماها بود که حسابی به چشم بیننده می‌آمد و از پرداختن بهای بیشتر برای بلیت، ناراحت نبودند؛ از نمونه این تفاوت‌ها می‌توان به صندلی‌های چوبی هشت قرانی دیگر سینماها، آپارات‌های قدیمی ایسکر، نمایش فیلم‌ها به‌صورت ۳۵ میلی‌متری و نداشتن لژ اختصاصی اشاره کرد. وجود کافه تریا هم تا آن زمان در سینماها مرسوم نبود، اما دیا موند در طبقه دوم خودش، یک فضای بزرگ برای کافه داشت. حضور در سینمادیا موند ثابت‌کرد همه‌طور که در ارگهی افتتاحیه‌اش گفته بود، یک سینمایی نمونه در سطح کشور باشد و پایه‌گذار حرکتی نو در زمینه ساخت سینما در مشهد. جالب است بدانید که فیلم سه‌بعدی «حباب» برای اولین بار در ایران، در دیا موند نمایش داده شد که تماشاگران مشهدی باید با عینک مخصوص آن را تماشا می‌کردند و برایشان تازگی داشت.



دیا موند، هوپزه شد

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سینمادیا موند مصادره‌و به بنیاد مستضعفان سپرده شد و از سال ۱۳۵۹ خورشیدی با نام هوپزه به کار خودش ادامه داد. مسئولیت این سینما تا سال ۶۸ با این بنیاد ماند و پس از آن نیز حوزه هنری، اداره سینما هوپزه و قدس را بر عهده گرفت. سینما هوپزه که در جای خوبی از شهر قرار گرفته بود، چند سال بعد دچار تغییراتی شد و از دل آن، چند سالن نمایش بیرون آمد. با لکن سینما با ظرفیت ۵۱۷ نفر تبدیل به سالن سترن شد و محل سابق کافه تریای آن نیز با ظرفیت ۱۴۸ صندلی، «یاسمن» نام گرفت. این سینما در سوم آبان ۱۳۷۴ فعالیت خود را از سر گرفت تا با نمایش «روز شیطان» و «بادکنک سفید» به جمع سینماهای مشهد بازگردد، البته همان‌طور که می‌دانید، کار این سینما همین جایپایان نگرفت و در اواخر سال ۱۳۸۹ و اوایل دهه ۹۰ ساختمانش دوباره نوسازی شد. این بار شانزده‌ماه طول کشید تا سینما هوپزه کنونی از دل خاک بیرون بیاید. ۱۱ شهریور ۱۳۹۱ پردیس هوپزه به‌روی علاقه‌مندان گشوده شد تا بازهم در کشور یکه‌تازی کند. روزنامه اطلاعات در این روز نوشت: «پردیس سینمایی هوپزه مشهد به‌عنوان بزرگ‌ترین و مدرن‌ترین پردیس سینمایی کشور، با حضور سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، افتتاح شد». در پردیس سینمایی هوپزه، پنج سالن نمایش با ظرفیت‌های مختلف با هزینه‌ای معادل ۷۰ میلیارد ریال ساخته شد و با داشتن امکانات خاص، همچنان در اوج خودش رانگاه داشت تا همچنان یکی از سینماهای خوب کشور باشد.



مشهد قدیم

یکی از بهترین سینماهای کشور

اکنون به پنجاهوشش‌سالگی خودش رسیده است

«دیا موند»؛

الماس سینمایی کشور

* دیا موند به معنای الماسی است



سر در سینما هوپزه (دیا موند) اواخر دهه ۷۰

را روی پرده سینماهای ایران کشاند. سالن ارکان سینمادیا موند بسیار بزرگ و خارج از استاندارد معمول بود که از شهر اشتوتگارت در آلمان خریداری شد. زیربنای ۶ هزار و ۴۰۰ متری این سینما شامل باشگاه (تالار پذیرایی)، کافه تریا و تعدادی مغازه تجاری بود که در زمینی به وسعت ۲ هزار و ۲۰۰ متر بنا شده بود. دولژ اختصاصی، از دیگر امکانات خاصی سینما به حساب می‌آمد.

روزنامه خراسان در آن زمان، درباره این سینما چنین توضیح داد: «سینماهای کریستال و متروپل که همیشه پیش‌قدم در راه خدمت به فرهنگ و هنر بوده‌اند، طبق وعده‌ای که سال گذشته داده بودند، با علاقه و پشتکار شبانه‌روزی اقدام به ساختن مجلل‌ترین سینما به نام دیا موند نموده‌اند که در خاورمیانه بی‌نظیر است.

در طرح و ساختن این سینما، هدف اصلی از هر جهت، فراهم نمودن کلیه وسایل راحتی تماشاچی بوده است؛ از قبیل تریا، تپویه مطبوع گرم و سرد، از نوع ارکاندیشن اصلی و نوع و فواصل صندلی‌ها و همچنین دستگاه‌های نمایش از نوع بویر آلمان، سازنده بهترین آپارات‌های دنیا که قادر به نمایش فیلم‌های هفتاد میلی‌متری با صدای استریوفونیک شش‌باندی، با نا ویزن، وایداسکرین و آپارات‌های ۳۵ میلی‌متری می‌باشد». جالب است بدانید حتی در سینماهایی که سال‌های بعد در مشهد ساخته شد، پرده‌ای به ابعاد سینمادیا موند نصب نشد.

مجهزترین سینمای خاورمیانه با این امکانات، در ۱۲۲ دیبهشت سال ۱۳۴۷ خورشیدی افتتاح می‌شود. فیلم «جایزه بزرگ»، نخستین فیلم پخش‌شده در بزرگ‌ترین سینمای ایران در آن زمان بود و فیلم هفتادمیلی‌متری و صدای استریوفونیک شش‌باندی

سیده‌نعمیه زینبی؛ یکی از بهترین سینماهای کشور اکنون به پنجاه‌وشش‌سالگی خودش رسیده است. روزگاری که سینما تنها تفریح مردم مشهد بود و سینماها در خیابان ارگ می‌درخشیدند، یک سینمای تک‌افتاده در خیابان فوزیه (دانشگاه کنونی) افتتاح شد؛ سینمایی که در ظاهر، شانس زیادی برای رقابت با دیگر سینماها نداشت و بسیاری، شکستش را پیش‌بینی کرده بودند. اما امکانات خوب این سینما و نمایش فیلم‌های روز روی پرده بزرگ و با کیفیت، آن رانجات داد و حتی به قطب تماشای فیلم شهر تبدیل کرد. امروز به مناسبت روزی که در سینمادیا موند، هوپزه فعلی، به روی مردم گشوده شد، به سراغ آن رفته‌ایم تا از سرگذشتی که داشته است، بگوییم.



پرده سینما، نقشه‌ها را عوض کرد

اگر بخواهیم به روزهای نخست تأسیس سینمادیا موند سفر کنیم، باید به اواخر سال ۱۳۴۵ برویم؛ زمانی که چندین سینمای خوب دیگر مانند پلازا، سعدی، آسیا، فردوسی، ایران، متروپل، کریستال، رادیوسی‌تی و مولن‌روژ در این شهر فیلم نمایش می‌دادند. این سینماها بیشتر در خیابان ارگ سابق بودند و مردم شهر برای دیدن فیلم باید به حوالی باغ ملی می‌رفتند. اما در این سال، شاید نوبت به خیابان دیگری رسیده بود که باتوق سینمادوستان بشود. در چهارمین روز اسفند ۱۳۴۵ خورشیدی، مشیرپور، کفیل اداره فرهنگ و هنر خراسان، پروانه مرحله اول بزرگ‌ترین سینمای ایران را صادر می‌کند. طبق این حکم به آقای ملکن سانتورپانس، فرزند ارمناک، اجازه داده می‌شود که حداکثر ظرف پنج ماه، یک دوره کامل از نقشه‌ها و طرح‌های اجرایی ساختمان سینمای مدنظرش را شامل جزئیات ساختمانی و فنی آن به اداره فرهنگ و هنر خراسان تسلیم کند. مدتی بعد کار ساخت سینما آغاز می‌شود، ولی در جریان ساخت پرده عریض سینما که برای نخستین بار در ایران راه‌اندازی می‌شود، تغییری در محل استقرار آپاراتخانه داده شود. مهندس سانطوریان نامه‌ای با ۷۶ برگ پیوست نقشه‌های اجرایی برای اداره‌کل فرهنگ و هنر خراسان می‌فرستد و از نام دیا موند برای این سینما استفاده می‌کند. او درباره این تغییر توضیح می‌دهد: «برای نصب آپارات‌های هفتاد میلی‌متری با صدای استریوفونیک شش‌باندی کمپانی بویر آلمان، مطالعه‌ای انجام شده است. به علت ارتفاع زیاد سالن و انحرافی که به همین علت آپارات خواهد داشت، تصویری که بر روی پرده خواهد افتاد، غیرطبیعی خواهد بود». آن‌ها برای رفع این مشکل، می‌خواهند به توصیه شرکت سازنده عمل کنند؛ اتاق آپارات در انتهای بالکن را به زیر بالکن بیاورند تا انعکاس نور به‌صورت مستقیم بر پرده بیفتد و تصویر بدون عوجاج باشد. آن‌ها دوباره هزینه می‌کنند تا نقشه‌هایی با این تغییر، تهیه کنند و مجوز تازه‌ای بگیرند.



نمایی از چهارراه دکترا / دهه ۷۰

رؤیای ساخت هتل دیا موند!

دو سرمایه‌گذار سینما که پیش از این، دو سینمای متروپل و کریستال راه‌اندازی کرده‌اند، از مشکلات مالی برای اجرای آرزوهای بزرگشان در امان نمی‌مانند تا در خرداد ۱۳۴۶ برای توسعه فعالیت‌هایشان، تقاضای وام کنند. از آرزوهای آن‌ها، ساخت یک هتل لوکس با سی اتاق در کنار سینمایشان است که برای آن ۴۰ میلیون ریال وام درخواست می‌کنند. این نامه از آنجا که فعالیت‌های این دو نفر را نیز شرح می‌دهد، درخور توجه است. در قسمتی از این درخواست، آمده است: «اینجانبان، مهندس ملکن سانطوریان و وارطان بطروسیان که سوابق بیست‌ساله‌ای در اداره امور سینما و نمایش فیلم‌های اخلاقی و آموزنده در شهرستان مشهد داریم و پیوسته کوشا بوده‌ایم از این راه خدماتی در جهت تأمین رفاه ساکنین این شهرستان و ایجاد تفریحات سالم برای آن‌ها انجام دهیم، مباردت به احداث یک دستگاه ساختمان سینمای مدرن درجه لوکس (که این شهرستان فاقد آن است) به نام سینمادیا موند نموده‌ایم که هم‌ردیف با بهترین سینماهای پایتخت است».



نمایی از چهارراه دکترا / دهه ۷۰

قرارداد دیا موند با کمپانی‌های مهم دنیا

مهندس ملکن سانطوریان بعد ها و پس از افتتاح سینما دیا موند یادداشتی درباره آن می‌نویسد و ما را با ابعاد مختلف ماجرای امکانات و مراحل ساخت این سینما آشناتر می‌کند. او در این یادداشت می‌گوید: «در سال ۱۳۴۵ من به اتفاق بطروسیان، زمینی را در خیابان دانشگاه از آقای قریشی خریداری کرده و کار احداث یک سینمای مدرن با استفاده از بهترین مصالح و دقیق‌ترین

تصاویر: سینما هوپزه (دیا موند) از روز افتتاح تا به امروز